



Azerbaijan, the Second Karabakh War, and Iran's Geopolitical Security: Challenges and Consequences

Daniyal rezapoor¹

1- Assistant Professor of International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran. danyalrezapoor@guilan.ac.ir

Volume info

Vol. 19
Series: 70
Spring 2026
P.P: 43-65

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-07-19
Revised:
2025-08-10
Accepted:
2025-12-07
Published:
2026-06-15

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Abstract

The collapse of the Soviet Union and the Caucasus's emergence from the periphery of global political geography presented a historic opportunity for the independent Republic of Azerbaijan, bordering Iran, to develop bilateral relations based on historical, cultural, and religious commonalities. However, Tehran-Baku relations, instead of achieving stable convergence, have faced numerous challenges. Factors such as Baku's secular policies, the diminishing emphasis on Shia identity, the expansion of Pan-Turkist ideology, and Azerbaijan's deepening ties with the West, Turkey, and the Zionist regime have contributed to a cooling of relations. In this context, the main research question is: What impact has the Second Karabakh War (2020) had on Iran's national security and its relations with the Republic of Azerbaijan? The research hypothesis posits that the security and geopolitical developments in the South Caucasus following the 44-day Karabakh War have confronted Iran's national security with a set of multidimensional threats, including economic threats (e.g., the Zangezur Corridor), security-political threats (such as the increasing influence of the Zionist regime in Baku), and socio-cultural threats (including the spread of Pan-Turkism and ethnic nationalism). Collectively, these factors have led to heightened tensions in bilateral relations, although instances of bilateral cooperation in the South Caucasus have also existed. Based on the research findings, the hypothesis is confirmed; meaning the Second Karabakh War has not only intensified two-decade-old security challenges for Iran but also caused Tehran-Baku relations to undoubtedly turn colder following the Azerbaijan-Armenia Washington Agreement in August 2025. This qualitative-documentary research was conducted using library-documentary sources and credible online resources.

Keywords: Iran, Republic of Azerbaijan, Karabakh War, Pan-Turkism, Geopolitics.

Cite this Article: rezapoor, D. (2026). Azerbaijan, the Karabakh War and Iran's Geopolitical Security: Challenges and Consequences. *Security Horizons*, 19(70),43-65.



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



آذربایجان، جنگ دوم قره‌باغ و امنیت ژئوپلیتیکی ایران: چالش‌ها و پیامدها

1

دانیال رضاپور

danyalrezapoor@guilan.ac.ir

1. نویسنده مسئول: استادیار روابط بین الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

سال و شماره

سال ۱۹، پیاپی: ۷۰

زمستان ۱۴۰۴

صص: ۶۵-۴۳

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



چکیده

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خروج قفقاز از حاشیه جغرافیای سیاسی جهان، استقلال جمهوری آذربایجان در همسایگی ایران فرصتی تاریخی برای توسعه روابط دوجانبه بر پایه اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی فراهم آورد. با این حال، روابط تهران و باکو به جای همگرایی پایدار، با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است. عواملی همچون سیاست‌های سکولار باکو، کمرنگ‌سازی هویت شیعی، گسترش ایدئولوژی پان‌ترکیسم و همچنین پیوندهای فزاینده جمهوری آذربایجان با غرب، ترکیه و رژیم صهیونیستی به سردی مناسبات دامن زده است. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش این است که جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) چه تأثیری بر امنیت ملی ایران و روابط آن با جمهوری آذربایجان گذاشته است؟ فرضیه تحقیق بدین شرح مطرح می‌شود که تحولات امنیتی و ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی پس از جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ، امنیت ملی ایران را با مجموعه‌ای از تهدیدات چندبعدی از جمله تهدیدات اقتصادی (مانند کریدور زنگزور)، تهدیدات امنیتی-سیاسی (نظیر نفوذ فزاینده رژیم صهیونیستی در باکو) و تهدیدات اجتماعی-فرهنگی (از قبیل گسترش پان‌ترکیسم و ملی‌گرایی قومی) مواجه کرده است. این عوامل به‌طور کلی موجب تشدید تنش در روابط دو کشور شده، هرچند نمونه‌هایی از همکاری‌های دوجانبه نیز در قفقاز جنوبی وجود داشته است. بر اساس نتایج تحقیق، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود؛ به این معنا که جنگ دوم قره‌باغ نه تنها موجب تشدید چالش‌های امنیتی دو دهه‌ای برای ایران شده، بلکه روابط تهران و باکو قطعاً با توقف نامه آذربایجان و ارمنستان در واشنگتن در اوت ۲۰۲۵ رو به سردی بیشتری می‌گراید. این پژوهش براساس رویکرد کیفی-اسنادی با استفاده از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر فضای مجازی صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ایران، جمهوری آذربایجان، جنگ قره‌باغ، پان‌ترکیسم، ژئوپلیتیک

استناد: رضاپور، دانیال. (۱۴۰۵). آذربایجان، جنگ دوم قره‌باغ و امنیت ژئوپلیتیکی ایران: چالش‌ها و پیامدها. فصلنامه

آفاق امنیت، ۱۹(۷۰)، ۴۳-۶۵.



نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین (ع).



مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و پایان جنگ سرد، تحولات ژئوپلیتیکی عمیقی در منطقه قفقاز جنوبی رخ داد که این منطقه را به کانونی بحرانی و در عین حال راهبردی در نظام بین‌الملل تبدیل کرد. قفقاز جنوبی به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد خود، همواره به عنوان پلی میان اروپا و آسیا، شرق و غرب، و همچنین حوزه تمدنی اسلامی و مسیحی عمل کرده‌اند (Cornell, 2005: 12). این منطقه نه تنها از لحاظ ژئواستراتژیک، بلکه به دلیل ذخایر عظیم انرژی دریای خزر و نقش آن در ترانزیت منابع هیدروکربنی به بازارهای جهانی، از اهمیت ژئواکونومیک بالایی برخوردار است (Yunus, 2020: 45). در این میان، جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از بازیگران اصلی قفقاز جنوبی، با دارا بودن منابع غنی نفت و گاز و هم‌مرز بودن با ایران، همواره جایگاهی ویژه در معادلات منطقه‌ای و روابط با تهران داشته است. روابط ایران و جمهوری آذربایجان، با وجود پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی، همواره تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. از یک سو، ملی‌گرایی آذربایجانی و گفتمان پان‌ترکیستی در دوره‌هایی مانند حکومت ابوالفضل ایلچی‌بیگ (۱۹۹۲-۱۹۹۳) تنش‌هایی را در روابط دو کشور ایجاد کرد (Valiyev, 2013: 78). از سوی دیگر، مناقشه قره‌باغ و مواضع متفاوت تهران و باکو در قبال این بحران، به چالشی دیرینه در مناسبات دوجانبه تبدیل شد. اگرچه روی کار آمدن خاندان علی‌اف و سیاست‌های عمل‌گرایانه آن‌ها تا حدی به ثبات نسبی در روابط انجامید، اما جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و تحولات پس از آن، بار دیگر این رابطه را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخت. پس از جنگ ۲۰۲۰، جمهوری آذربایجان با پشتیبانی ترکیه و رژیم صهیونیستی، موفق به بازپس‌گیری بخش عمده‌ای از قره‌باغ شد و این پیروزی، توازن قوا در منطقه را به نفع باکو تغییر داد (Göksel, 2021: 34). این تحولات، همراه با طرح کریدور ترانزیتی زنگزور و افزایش نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی ایران را تشدید کرده است. از این رو سوال پژوهش از این قرار است که جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) چه تأثیری بر امنیت ملی ایران و روابط آن با جمهوری آذربایجان گذاشته است؟ فرضیه تحقیق بدین شرح مطرح می‌شود که تحولات امنیتی و ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی پس از جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ، امنیت ملی ایران را با مجموعه‌ای از تهدیدات چندبعدی از جمله تهدیدات اقتصادی (مانند کریدور زنگزور)، تهدیدات امنیتی-سیاسی

(نظیر نفوذ فزاینده رژیم صهیونیستی در باکو) و تهدیدات اجتماعی-فرهنگی (از قبیل گسترش پان‌ترکیسم و ملی‌گرایی قومی) مواجه کرده است. این عوامل به‌طور کلی موجب تشدید تنش در روابط دو کشور شده، هرچند نمونه‌هایی از همکاری‌های دوجانبه نیز در قفقاز جنوبی وجود داشته است. با توجه به این امر ضرورت پژوهش بر آن است که با وجود مطالعات متعدد درباره جنگ قره‌باغ، کمتر پژوهشی به‌صورت نظام‌مند به تأثیرات این جنگ بر امنیت ملی ایران و روابط با باکو پرداخته است. از سوی دیگر این منطقه به‌عنوان محیط امنیتی، نقش کلیدی در معادلات انرژی، ترانزیت و امنیت مرزی دارد و تحولات اخیر می‌تواند موجبات تهدید یا فرصت‌سازی برای ایران را فراهم کند. در نتیجه سیاست خارجی ایران و چالش‌های پیش‌رو با توجه به تنش‌های فزاینده در روابط تهران-باکو و همگرایی جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی و ترکیه، ضرورت این پژوهش را می‌طلبد. بنابراین اهمیت تحقیق حاضر در آن است که بررسی این تأثیرات از منظر امنیت ملی و روابط دوجانبه با جمهوری آذربایجان، به درک بهتر سیاست‌گذاری‌های راهبردی ایران در قفقاز جنوبی کمک می‌کند.

ادبیات نظری

چارچوب نظری پژوهش پیش‌رو بر خوانشی سه سطحی و سه حوزه‌ای از ژئوپلیتیک استوار است. ژئوپلیتیک در پی تحلیل تأثیرات جغرافیا بر سیاست است. ژئوپلیتیک درباره چگونگی تأثیر مولفه‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی است. از این‌رو ژئوپلیتیک قدرت، جغرافیا و نظم سلطه جهانی را به هم پیوند می‌دهد و بر نقش محدودیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی در اجرای سیاست تأکید می‌کند. بر همین مبنا هر کشوری با توجه به تحولات محیطی با کم و کیف متفاوت، با یک سیستمی از تهدید-فرصت‌ها مواجه است. این تهدید-فرصت‌ها در سه حوزه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر و در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روی می‌دهند. در این سیستم از تهدید-فرصت، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا حد امکان تهدیدات را مهار یا تعدیل کنند و در عوض بیشترین استفاده را از فرصت‌ها ببرند. به بیان دیگر دولت‌ها سعی در بیشینه‌سازی فرصت‌ها و کمینه‌سازی تهدیدات دارند. از این‌رو نظریه سه سطح سه حوزه‌ای محی‌الدین مصباحی یک خوانش ویژه از ژئوپلیتیک است که یک دید سه‌جانبه از سیستم بین‌المللی یا سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سه حوزه مرتبط به هم و در عین حال متمایز

ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر ارائه می‌دهد. از این رو تهدیدات و فرصت‌ها در حوزه‌های مختلف قابلیت تسری پیدا می‌کنند و از سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به سطح داخلی سرریز می‌شوند و برعکس. همچنین تهدید-فرصت‌ها در یک حوزه قابلیت تسری به دیگر حوزه‌ها را دارند. (Salehi-Yaganeh & Raeesi-Nejad, 2023: 6)

در این چارچوب ژئواکونومی و ژئوکالچر به ترتیب به عنوان ابعاد اقتصادی و فرهنگی ژئوپلیتیک در نظر گرفته می‌شوند. گروس^۱، ژئواکونومیک را ادغام اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی می‌داند. ژئواکونومی از ترکیب عناصر سه‌جانبه جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است. عنصر اقتصاد در ژئواکونومی جایگزین عنصر سیاست در ژئوپلیتیک می‌شود؛ بنابراین استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تاثیر اقدامات اقتصادی سایر کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی یک کشور، ژئواکونومیک نام دارد. در ژئواکونومیک عواملی مانند انرژی، امنیت مسیرهای انتقال انرژی، ترانزیت، کریدورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تجارت اهمیت دارند. واژه ژئوکالچر از دو کلمه ژئو به معنای جغرافیا و کالچر به معنای فرهنگ تشکیل شده است که به تاثیر متقابل این دو کلمه بر همدیگر اشاره دارد. قاسمی ژئوکالچر را برآمده از پویش و دینامیک هویت در سیستم بین‌الملل تعریف می‌کند. فرهنگ جغرافیایی به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها در میان گروهی از مردم مانند آداب و رسوم، باورها، زبان و رفتارهایی که در طول زمان تحت تاثیر جغرافیا قرار گرفته‌اند و یا بر آن تاثیر گذاشته‌اند، اطلاق می‌شود. (Pourahmadi & Feizollahi, 2023: 5)

با این وصف برای جاگذاری این چارچوب فکری در بحث موجود می‌توان بیان داشت که، قفقاز جنوبی از نظر امنیتی بر سه پایه اصلی استوار است: ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر. هر کدام از این بخش‌ها چالش‌ها و فرصت‌های خاص خود را دارند؛ از جمله:

- از نظر ژئوپلیتیک، بحران قره‌باغ مهم‌ترین مسئله است که روابط کشورهای منطقه را تحت تاثیر قرار داده است.
- در بخش ژئواکونومیک کریدورهای ترانزیت و خطوط انتقال انرژی، نقش کلیدی در معادلات منطقه ایفا می‌کنند.
- در حوزه ژئوکالچر، ملی‌گرایی قومی و تنوع فرهنگی، چالش‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای را شکل می‌دهد.

1. Grosz

با این وجود جنگ قره‌باغ نه تنها ترجیحات سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه را تغییر داده، بلکه یک معمای پیچیده ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی ایجاد کرده است. این جنگ باعث شده تا روابط بین کشورها با عدم قطعیت‌های زیادی همراه باشد. در نتیجه این امر باعث می‌شود تا تاثیر سه بخش فوق را پس از بحران قره‌باغ بر روابط ایران با منطقه به صورت ویژه با جمهوری آذربایجان در این پژوهش در ادامه مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه پژوهش

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	یثو (۲۰۲۴)	آذربایجان و ایران در سایه جنگ قره‌باغ و اوکراین	این مقاله تنش‌های اخیر ایران و آذربایجان را با رویکرد تاریخی-تحلیلی ریشه‌یابی کرده و آن را حاصل ترکیب سه عامل صعود آذربایجان، سردرگمی استراتژیک ایران و فرصت‌طلبی ترکیه در سایه ضعف روسیه پس از جنگ اوکراین می‌داند.
۲	روبانیس (۲۰۲۴)	وضعیت امنیتی ایران در قفقاز جنوبی پس از جنگ در اوکراین	جنگ اوکراین را فرصتی برای ایران می‌داند تا با همکاری روسیه و ترکیه، در قفقاز جنوبی به یک نقش‌آفرین قاعده‌گذار تبدیل شود و از این طریق طمع‌های آذربایجان را مهار و نفوذ اسرائیل را محدود کند
	جوراجیان (۲۰۲۳)	خطوط قرمز و چراغ سبز: سیاست متعادل‌کننده ایران در قفقاز جنوبی	استفاده از نظریه واقع‌گرایی نشان می‌دهد که ایران پس از جنگ قره‌باغ، سیاست توازن سنتی خود در قفقاز را حفظ کرده و با ابزار تهدید و نزدیکی، منافع ثابت ژئواستراتژیک خود را دنبال می‌کند.
۳	آقازاده (۲۰۲۳)	روابط آذربایجان و ایران پس از جنگ دوم قره‌باغ: ویژگی‌ها و روندها	تنش‌ها و همکاری‌های نوین در روابط ایران و آذربایجان پس از جنگ دوم قره‌باغ را تحلیل کرده و نشان می‌دهد که علی‌رغم تنش سیاسی، همکاری اقتصادی در حال رشد است.

در مجموع نوآوری کار نگارنده نسبت به اثرات فوق در این است که برخلاف تمرکز موردی یا مقطعی آن‌ها (یئو بر پیامدهای جنگ قره‌باغ و اوکراین، روبانیس بر فرصت‌های ایران پس از جنگ اوکراین، جوراجیان بر سیاست متعادل‌کننده ایران، و آقازاده بر منابع تنش و روندهای دوجانبه)، این پژوهش یک چارچوب تحلیلی جامع و منسجم ارائه کرده است و این چارچوب پیامدهای جنگ دوم قره‌باغ را به‌طور مستقیم بر امنیت ملی ایران ارزیابی می‌کند و تهدیدات را در سه بُعد اقتصادی، امنیتی-سیاسی و اجتماعی-فرهنگی دسته‌بندی می‌کند. بدین ترتیب، کار نگارنده از سطح تحلیل رویداد یا سیاست خارجی، به سطح مدل‌سازی تهدیدات چندبعدی ارتقا یافته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کیفی-اسنادی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق بررسی اسناد معتبر، مقالات علمی، کتاب‌های تخصصی و پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی گردآوری شده‌اند. همچنین، از تارنماهای معتبر در فضای مجازی برای دستیابی به جدیدترین یافته‌ها و گزارش‌های مرتبط با موضوع پژوهش استفاده شده است. در این روش، با مرور نظام‌مند متون، اسناد و داده‌های موجود، اطلاعات کیفی استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است. اعتبار منابع با توجه به معتبر بودن نویسندگان، ناشران، و پایگاه‌های منتشرکننده تضمین شده است تا از اتکا به داده‌های نادرست یا غیرعلمی جلوگیری شود. در این پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و سپس با رویکردی توصیفی-تحلیلی به شناسایی الگوها، مفاهیم و ارتباطات بین آن‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی

با پایان یافتن جنگ سرد بسیاری از هویت‌های قومی محلی در منطقه قفقاز رشد کردند و باعث شکل‌گیری منازعات در این منطقه شدند. در این میان، بزرگ‌ترین منازعه بحران ناگورنو-قره‌باغ بود که عامل مناقشه‌ای بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال ۱۹۸۸ با بیش از بیست

هزار نفر قربانی، نزدیک یک میلیون نفر بی‌خانمان و یک و نیم میلیون نفر مهاجر بود که این سیل مهاجرت‌ها به ایجاد شرایطی بحرانی در جمهوری آذربایجان منجر شد و بیش از چهارده درصد این کشور در این زمان اشغال شد (شکل ۱). بعدها، ابعاد این مناقشه به یکی از طولانی‌ترین، خشونت‌آمیزترین و پیچیده‌ترین مناقشه‌های قومی و نژادی بعد از فضای کمونیستی تبدیل گردید. ایران در مارس ۱۹۹۲ در خلال جنگ اول قره‌باغ، هیئت‌های بلندپایه ارمنستان و جمهوری آذربایجان را برای مذاکره به تهران دعوت کرد. بدین ترتیب این شروع میانجیگری ایران در جنگ قره‌باغ بود. در این مذاکرات آتش‌بس موقت، استقرار نیروهای ناظر، تبادل اسرای جنگی و اجساد مورد بحث قرار گرفت. در نتیجه بیانیه‌ای در مورد حل و فصل مناقشه در ۱۵ مارس توسط هیئت‌های حاضر در تهران امضا شد. علی‌رغم امضای اعلامیه مشترک برای برقراری ثبات در منطقه، جنگ ادامه یافت و حتی شدت نیز گرفت. بدین ترتیب در جنگ اول قره‌باغ میانجیگری ایران کارساز واقع نشد و نهایتاً با وساطت گروه مینسک آتش‌بس بین طرفین برقرار گردید. (Salehi-Yaganeh & Raeesi-Nejad, 2023: 13)

بعد نزدیک به دو دهه آرامش نسبی، تغییرات ژئوپلیتیکی بحران قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ نگرانی‌هایی را در ایران ایجاد کرد. بعضی از پژوهشگران بر این باورند که مشغولیت ایران به مسائل غرب آسیا و بحران هسته‌ای موجب شد تا تهران تحولات منطقه‌ای در قفقاز را کم‌ارزش بداند و ظرفیت و توانایی خود را برای درک تحولات اخیر در این منطقه کاهش دهد. برخی این وضعیت را غفلت استراتژیک نامیدند (Poghosyan, 2021). در نتیجه، ایران در تحولات ۲۰۲۰ قفقاز جنوبی نقش فعالی ایفا نکرد و به یک بازیگر منفعل و واکنشی تبدیل شد. این انفعال پیامدها و چالش‌های ژئوپلیتیکی جدیدی برای ایران به وجود آورد. با وجود ادعاهای ایران مبنی بر ایفای نقش تاریخی و داشتن نفوذ فرهنگی در قفقاز جنوبی، موقعیت منطقه‌ای ایران به یک نقش ثانویه تنزل یافت. تلاش‌های ناموفق ایران در میانجی‌گری بین طرفین متخاصم و عدم حضور آن در بیانیه مسکو که درگیری‌های مسلحانه را به پایان رساند از جمله عواملی است که نشان از افت جایگاه ایران در حوادث ۲۰۲۰ قفقاز جنوبی دارد. این در حالیست که ترکیه در زمان غیبت ایران در این نشست‌ها با وجود هم‌مرز نبودن با منطقه درگیری یعنی قره‌باغ، به‌عنوان ناظر در اجرای آتش‌بس حاضر شد. عوامل زیادی در ناکامی سیاست خارجی ایران در میانجیگری در جنگ قره‌باغ تاثیر

داشتند که به طور خلاصه می‌توان دلایل آن را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ردیابی کرد. در سطح داخلی عواملی از جمله: عدم اجماع در سیاست خارجی، نگاه ثانویه تهران به قفقاز جنوبی و مسئله قومیت، موثر بودند. در سطح منطقه‌ای، عواملی همچون حضور پررنگ ترکیه و رژیم صهیونیستی در جنگ دوم قره‌باغ، سوظن در روابط ایران و جمهوری آذربایجان و ایجاد محدودیت از سوی روسیه تاثیر گذار بودند و در سطح بین‌المللی می‌توان به تنش در روابط ایران با آمریکا و تحریم‌های اقتصادی اشاره کرد. (Salehi-Yaganeh & Raeesi-Nejad, 2023: 15)



شکل ۱: تحولات ژئوپلیتیکی جنگ اول قره‌باغ. (Tahavolat-e Jahan-e Eslam, 2020).

در این میان البته شکست ارمنستان نیز به تنزل موقعیت منطقه‌ای ایران کمک کرد زیرا برخلاف ترکیه که روابط خود را با ارمنستان پس از شروع درگیری‌های مسلحانه بر سر قره‌باغ کوهستانی قطع کرد، ایران ادعا کرد که در این مناقشه موضعی بی‌طرفانه و رویکردی متعادل نسبت به طرفین درگیر داشته است، به گونه‌ای که امکان حفظ روابط نزدیک با ارمنستان را فراهم کرد. البته روابط ارمنستان و ایران مرتبط به سال ۲۰۲۰ نیست و پیش از این حادثه نیز مرز ایران-ارمنستان برای ایروان به‌عنوان شریانی حیاتی بوده است (Akhbari, 2020: 17). زیرا پیش از جنگ دوم قره‌باغ در جنگ اول، مناطق آذربایجانی زنگیلان، جبرائیل و فضولی یعنی تقریباً ۱۳۵ کیلومتر از مرز ایران-جمهوری آذربایجان تحت کنترل ارمنستان درآمد. بنابراین، ایران با یک منطقه خاکستری که تحت کنترل نیروهای ارمنی بود اما همچنان جزئی از جمهوری آذربایجان

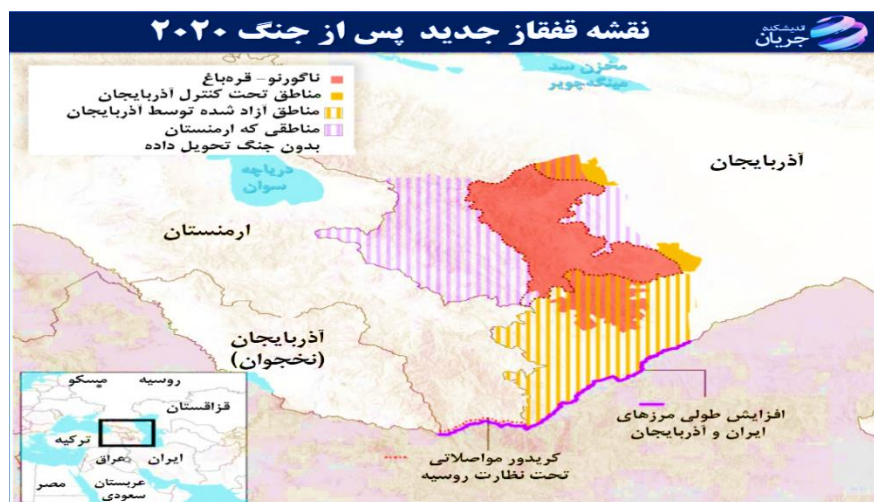
محسوب می‌شد، هم مرز شد. اگرچه ایران این اشغال را به رسمیت نشناخت، اما از کنترل ایروان بر این منطقه با توسعه مکانیزم‌های همکاری مانند ساخت نیروگاه‌های آبی که آب و برق را به مناطق مرزی ایران تأمین می‌کرد و ساخت پل‌ها روی رود ارس بهره‌مند شد (Has et al, 2020: 12). امری که در نتیجه جنگ دوم قره‌باغ تغییر یافت. در ماه نوامبر سال ۲۰۲۰ ارتش جمهوری آذربایجان با کمک‌های تسلیحاتی و مشاوره نظامی ارتش ترکیه و رژیم صهیونیستی حمله گسترده‌ای را در مناطق اشغالی آغاز و همه مناطق را از ارامنه پاکسازی و تصرف و ارمنستان را مجبور به پذیرش شرایط آتش‌بس کرد. پس از جنگ ۲۰۲۰ و با آزادسازی مناطق زنگیلان، جبرائیل و فضولی، جمهوری آذربایجان حاکمیت خود را بر بخش شمالی مرز این کشور با ایران باز یافت (شکل ۲). البته مقامات ایرانی موضعی طرفدار آذربایجان اتخاذ کردند، به طوری که رهبری ایران حق آذربایجان برای آزادسازی سرزمین‌های اشغال‌شده را تأیید کرد. علاوه بر این، محمود واعظی با معاون نخست‌وزیر آذربایجان شاهین مصطفی‌اف، تماس تلفنی گرفت و بر حمایت تهران از تمامیت ارضی آذربایجان تأکید کرد (Syed Zafar, 2020).

ایران همانند جنگ اول قره‌باغ خواستار یک راه‌حل غیرنظامی برای اتمام درگیری‌های قره‌باغ کوهستانی بود به طوری که با ارائه طرح صلحی بر اصل تمامیت ارضی همه کشورهای منطقه‌ای تأکید داشت. ایران پیشنهاد یک شکل منطقه‌ای ۳+۳ را برای ثبات بخشیدن به قفقاز جنوبی مطرح کرد که شامل سه جمهوری قفقاز جنوبی - ارمنستان، آذربایجان و گرجستان - به همراه ترکیه، روسیه و ایران می‌شد (Kaleji, 2020). با این وجود هنگامی که تعدادی موشک و خمپاره بر روی خاک ایران فرود آمدند، تهران نیروها و تجهیزات نظامی اضافی را در امتداد مرزهای شمالی خود مستقر کرد. مقامات ایرانی چندین بار نسبت به نقض خاک ایران اعتراض کردند و متخاصمان را نسبت به خطر انداختن امنیت مرزی کشور هشدار دادند. در میان درگیری‌های خشونت‌آمیز بین نیروهای آذربایجانی و ارمنی، ارتش ایران یک تمرین نظامی یک روزه در نزدیکی مرز در ۹ اکتبر ۲۰۲۰ برگزار کرد.

با وجود حمایت ایران از جمهوری آذربایجان و واکنش صلح‌طلبانه آن، پیشرفت‌های سریع نیروهای آذربایجانی به سمت قلب قره‌باغ موجب شد تا مقامات ایرانی شروع به صدور هشدارهایی به ویژه به جمهوری آذربایجان کردند. ایران، که مرزهای طولانی با آذربایجان و ارمنستان دارد،

نگرانی خود را از حضور احتمالی تروریست‌های خارجی در منطقه ابراز کرد. وزیر امور خارجه وقت ایران، محمدجواد ظریف، هشدار داد که تهران حضور عناصر تروریستی در درگیری را تحمل نخواهد کرد. این اظهارات در واکنش به گزارش‌هایی مبنی بر استفاده باکو از شبه‌نظامیان خارجی (از جمله گروه‌های مرتبط با سوریه) مطرح شده بود (Crisis Group, 2020: 12).

ابتکار دیپلماتیک ایران برای پایان دادن به درگیری، با توافق آتش‌بس تحت نظارت روسیه که در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ به امضا رسید، کنار گذاشته شد. در واقع تلاش ایران برای کمک به اجرای آتش‌بس نادیده گرفته شد و ایران که از فرآیند اجرای توافق کنار گذاشته شد. با این حال در نهایت با توجه به تغییرات ژئوپلیتیکی منبث از جنگ، ایران دسترسی مستقیم خود به قره‌باغ را از دست داد و تجارت خود با این منطقه را متوقف و طول مرز ارمنستان-ایران به ۴۴ کیلومتر کاهش یافت.



شکل ۲: تحولات ژئوپلیتیکی جنگ دوم قره‌باغ. (Jaraian Think Tank, 2021).

بازگشت حاکمیت جمهوری آذربایجان بر مرزهای شمالی ایران چالش‌های جدید و تازه‌ای را برای تهران ایجاد کرد. اولین چالش برای ایران، پتانسیل رو به رشد حضور اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی بود که به شریک راهبردی جمهوری آذربایجان تبدیل شده بود (Esfandiar, 2021). چالش دوم ایران پس از بازگشت حاکمیت آذربایجان بر مرزها، تقویت احساسات ضدایرانی در جمهوری آذربایجان بود. علاوه بر این، پیروزی جمهوری آذربایجان می‌توانست تمایلات قومی گرایانه را در میان مردم ترک‌زبان و آذری‌زبان ایران تقویت کند. چالش سوم

کریدور زنگزور بود که ضربه دیگری به موقعیت ایران در قفقاز جنوبی بود. ساخت کریدور زنگزور به معنای از دست دادن عوارض ترانزیتی است که ایران از کامیون‌های حمل و نقل ترکیه‌ای به سمت جمهوری آذربایجان کسب می‌کرد. اما آنچه برای تهران بیشتر نگران‌کننده است، احتمال تبدیل ارتباط زنگزور به دالان توران است، زیرا بسیاری در ترکیه آن را به‌عنوان گشایش دروازه‌ای استراتژیک به کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی می‌دانند (Khoshnood, 2021: 5-7). یکی دیگر از پیامدهای احتمالی کریدور زنگزور برای ایران، از دست دادن اهرم فشار این کشور در برابر آذربایجان خواهد بود.

برتری نظامی جمهوری آذربایجان به واسطه صادرات انرژی و ظرفیت اقتصادی رو به رشد این کشور نویدبخش یک قدرت نوظهور در قفقاز جنوبی را می‌دهد. قدرت نظامی جمهوری آذربایجان از طریق خریدهای نظامی و همکاری دفاعی با رژیم صهیونیستی و ترکیه ایجاد شده است. هر دو کشور حمایت نظامی خود از باکو را به شراکت‌های راهبردی همراه با همکاری‌های اقتصادی رو به رشد تبدیل کرده‌اند. پس از جنگ قره‌باغ، ترکیه همکاری دفاعی خود با جمهوری آذربایجان را تقویت کرد و تمرینات نظامی مشترک برگزار کرد. مستقر شدن سربازان ترکیه در این کشور به‌عنوان بخشی از ماموریت نظامی مشترک روسیه-ترکیه برای نظارت بر آتش‌بس، توسط رسانه‌های ترکیه به‌عنوان بازگشت سربازان ترکیه به آذربایجان پس از ۱۰۲ سال بیان شد (Yesilot, 2020). به علاوه، شرکت‌های ترکیه به‌صورت فعال در پروژه‌های زیرساختی و بازسازی مناطق آزادشده مشارکت دارند. اگرچه ایران نیز فرصت‌هایی برای مشارکت در بازسازی مناطق آسیب‌دیده جمهوری آذربایجان مشاهده کرد و آمادگی خود را برای کمک به بازسازی در هر شرایطی اعلام نمود، اما نتوانست سهمی در این زمینه کسب کند. از آنجا که رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود، تهران از خریدهای نظامی جمهوری آذربایجان از این رژیم ابراز نگرانی کرده است. همچنین، احیای حاکمیت جمهوری آذربایجان بر مناطق قبلاً اشغالی، نگرانی ایران را درباره احتمال حضور سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی در بخش شمالی مرزهای مشترک با جمهوری آذربایجان افزایش داده است (Kalej, 2023: 3).

تحولات ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی

علاوه بر مشکلات امنیتی در روابط میان ایران و جمهوری آذربایجان بر سر مسائل ژئوپلیتیکی پدید آمده در نتیجه تحولات سال ۲۰۲۰ قره‌باغ مسئله ژئواکونومیک منطقه نیز حائز اهمیت است. پس از پایان جنگ و چهره جدید جغرافیای سیاسی شکل گرفته در منطقه در توافقی آتش‌بس به‌ویژه در مورد معنای اتصالات یا ارتباطات حمل و نقلی پیش‌بینی شده بین نخجوان و جمهوری آذربایجان، نگرانی‌هایی را برای ایران به همراه داشت. نگرانی‌های تهران با احتمال استفاده از نیروی آذربایجان برای تحقق اتصالات حمل و نقل که آذربایجان آن را دالان زنگزور می‌نامد، افزایش یافت زیرا این موضوع تغییر اجباری مرزهای ایران با ارمنستان را ایجاد می‌کرد که به‌عنوان خط قرمز تهران اعلام شده بود. با سکوت روسیه و تشویق ادعایی ترکیه در مورد تهدید جمهوری آذربایجان به استفاده از زور، بعد نشست آستانه که در تیرماه ۲۰۲۲ در تهران برگزار شد، رئیس‌جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان با مقام معظم رهبری دیدار کرد و رهبری ایران در رابطه با این مسئله هشدار دادند که: اگر سیاستی برای مسدود کردن مرز ایران و ارمنستان وجود داشته باشد، جمهوری اسلامی با آن مخالفت خواهد کرد زیرا این مرز برای هزاران سال یک مسیر ارتباطی بوده است. (Iran-Armenia Joint Chamber of Commerce, 2022).

علاوه بر نارضایتی‌ها در مورد کریدور زنگزور، روابط آذربایجان و ایران به دلیل چندین مسئله به سمت یک بحران جدی پیش رفت. اولین تحولی که منجر به افزایش تنش بین باکو و تهران شد، وضع مالیات جاده‌ای از سوی آذربایجان برای کامیون‌های ایرانی بود که از طریق جاده گوریس-کاپان به ارمنستان می‌رفتند. این جاده بخشی از بزرگراه ۴۰۰ کیلومتری نوردوز-ایروان است که پایتخت ارمنستان را به ایران متصل می‌کند، اما تقریباً ۲۰ کیلومتر آن در قلمرو تازه آزادشده جمهوری آذربایجان قرار دارد. این کشور همچنین سفر کامیون‌های ایرانی به قره‌باغ را مختل کرد و آن را عبور غیرقانونی وسایل نقلیه کشورهای سوم به سرزمین‌های جمهوری آذربایجان نامید. یکی از این موارد در سپتامبر ۲۰۲۱ رخ داد که مقامات آذربایجانی دو راننده کامیون ایرانی را که به ظن حمل کالا بین ارمنستان و قره‌باغ برای ورود غیرقانونی به خاک آذربایجان از طریق ارمنستان دستگیر کردند (Isayev and Mejlumyan, 2021: 14).

تنش‌ها بین باکو و تهران بر سر تغییرات مرزی و تاثیر آن بر امنیت اقتصادی ایران، پس از برگزاری تمرینات نظامی متوالی ایران در در سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۱ افزایش یافت. ایران دو دلیل برای تقویت‌های نظامی و تمرینات خود ارائه داد: ۱- تهدیدات علیه مرزهای بین‌المللی و ۲- حضور تروریست‌های تکفیری و عناصر صهیونیستی در مرز مشترک میان ایران و جمهوری آذربایجان. در هنگام دریافت سفیر جدید آذربایجان در تهران در سپتامبر ۲۰۲۱ وزیر امور خارجه ایران، شهید امیرعبداللهیان، بیان کردند: ما حضور و فعالیت علیه امنیت ملی خود از طرف رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرزهای خود را تحمل نمی‌کنیم (Esfandiari, 2021).

با این حال جمهوری آذربایجان به عنوان شریک تجاری اصلی ایران در قفقاز جنوبی و یک مسیر مهم برای دسترسی ایران به بازارهای روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیا شناخته می‌شود. همچنین این کشور در مرکز دالان حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب قرار دارد که مقرر شده است خلیج فارس را به روسیه متصل کند. رؤسای جمهوری آذربایجان و ایران، الهام علی‌اف و شهید ابراهیم رئیسی در ۲۸ نوامبر ۲۰۲۱ در اجلاس سازمان همکاری اقتصادی در عشق‌آباد دیدار کردند و پس از امضای توافق تبادل گاز بین آذربایجان، ایران و ترکمنستان، علی‌اف بیان کرد: مردم ما برادران یکدیگر هستند، کشورهای ما کشورهای برادر هستند و مسائلی که امروز مورد بحث قرار گرفت، دوباره نشان می‌دهد که روابط ایرانی-آذربایجانی در سطح بسیار بالایی قرار دارد. او همچنین اضافه کرد: ما تصمیم گرفته‌ایم که از این به بعد، روابط ایران و جمهوری آذربایجان در تمام زمینه‌ها توسعه یابد (kaleji, 2022: 114). در همین راستا، تهران و باکو در ۱۱ مارس ۲۰۲۲ توافق کردند که راه آهن، بزرگراه، ارتباطات و خطوط تامین انرژی جدید ایجاد کنند که منطقه اقتصادی زنگزور شرقی آذربایجان را از طریق خاک ایران به نخجوان متصل کند. مجدد نیز در سپتامبر ۲۰۲۳، دو کشور در مورد یک مسیر ترانزیتی (گذرگاه ارس) که آذربایجان غربی را از طریق ایران به نخجوان متصل می‌کند در ۹ اکتبر ۲۰۲۳ توافق کردند. شاهین مصطفی‌اف معاون نخست وزیر آذربایجان و مهرداد بذرپاش وزیر راه و شهرسازی وقت ایران، در مراسم کلنگ‌زنی پل ارتباطی دو کشور بر روی رودخانه ارس شرکت کردند. این بزرگراه و مسیر ریلی به طول ۵۵ کیلومتر از استان آذربایجان شرقی ایران می‌گذرد و روستای آق‌بند در گوشه جنوب غربی بخش زنگیلان را به شهرستان اردوباد در جنوب نخجوان متصل می‌کند. برای رسیدن

بزرگراه به اردوباد، سه پل دیگر (دو پل ریلی، یک جاده) روی رودخانه ارس باید احداث شود (شکل ۳). از این رو بدون نیاز به انتظار برای ساخت اتصالات یا ارتباطات حمل و نقلی پیش‌بینی شده بین نخجوان و آذربایجان از طریق خاک ارمنستان، جمهوری آذربایجان به‌طور موفقیت‌آمیزی یک مسیر جایگزین برای دسترسی به نخجوان از طریق ایران آغاز کرد و به‌طور کامل ارمنستان را دور زده است (Borshchevskaya and tible, 2023: 3).

در مجموع به نظر می‌رسد تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی به وجود آمده در قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ همراه با افزایش نگرانی‌های ایران در بخش سوم یعنی تهدید پان‌ترکیسم همراه شده است. امری که بیش از پیش موجب ایجاد تنش و التهاب در روابط دو کشور شده است موضوعی که در بخش سوم بدان پرداخته خواهد شد.



شکل ۳: گذرگاه ارس. (Ettelaat Net, 2023).

تحولات ژئوکالچری قفقاز جنوبی

از زمان ظهور آذربایجان به‌عنوان یک کشور مستقل ابتدا در سال ۱۹۱۸ و سپس با بازگشت استقلال در سال ۱۹۹۱، رهبران آذربایجانی تلاش کرده‌اند هویتی جدید برای مردم خود تعریف کنند که از هویت ایرانی متمایز باشد. هویت آذربایجانی بر پایه زبان ترکی بنا شده و آن‌ها را به ملی‌گرایی ترکی نزدیک‌تر کرده است. از آنجا که هویت آذربایجانی خود را در مقابل هویت ایرانی قرار داده است، این موضوع به تنش در روابط جمهوری آذربایجان و ایران منجر شده است. این تنش‌ها به همراه وجود تعداد زیادی از ترک‌زبانان و آذری‌زبانان – که برآورد می‌شود حدود

۲۵ میلیون نفر هستند - در استان تاریخی آذربایجان ایران در شمال غرب ایران، که هم‌اکنون به چهار استان مختلف تقسیم شده است، وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند- (Ahmadi, 2017: 104-105). بنابراین از زمان تشکیل یک دولت مستقل آذربایجانی، ایران با تهدید پان‌ترکیسم و پان‌آذربایجان‌گرایی مواجه بوده است به طوری که ایلچی‌بیگ از ستایش گران مصطفی کمال آتاتورک و طرفدار ایده دولت سکولار با نگرش غرب‌گرا، خود را سرباز آتاتورک توصیف می‌کرد و علناً اعلام کرد که؛ اتحاد آذربایجان هر دو سوی ارس حداکثر به پنج سال زمان نیاز دارد (Souleimanov, 2011: 15).

بر اساس ارزیابی‌های ایران، چندین موج پان‌ترکیسم در طول تاریخ وجود داشته است. اولین موج در اوایل قرن بیستم شکل گرفت که توسط ترک‌های عثمانی ترویج شد و با تأسیس دولت آذربایجان تحت رهبری محمدامین رسول‌زاده در قفقاز جنوبی به پایان رسید. موج دوم پان‌ترکیسم سپس توسط اتحاد جماهیر شوروی در زمان اشغال شمال ایران در جنگ جهانی دوم ترویج شد و با دولت ملی آذربایجان به‌طور کوتاه‌مدت به پایان رسید. با این حال، منافع شوروی در حمایت از ملی‌گرایی آذربایجانی تحت توافقات پس از جنگ به پایان رسید و ایران حاکمیت خود را بر آذربایجان تاریخی بازگرداند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نگرانی‌های ایران از پان‌ترکیسم با ریاست جمهوری ایلچی‌بیگ افزایش یافت. پس از سرنگونی ایلچی‌بیگ توسط یک کودتا، جمهوری آذربایجان تحت رهبری حیدر علی‌اف سیاست‌های مصالحه‌آمیزی نسبت به ایران اتخاذ کرد (Farrokh, 2016). با این حال، تحولات پس از جنگ دوم قره‌باغ، که با آزادسازی سرزمین‌های جمهوری آذربایجان که بیش از سی سال تحت اشغال ارمنستان بودند، تهدید پان‌ترکیسم را دوباره زنده کرده است.

موج جدید پان‌ترکیسم برای ایران حول دو پدیده مختلف می‌چرخد؛ اولین مورد، ملی‌گرایی فزاینده قومی آذربایجانی در میان آذربایجانی‌های ایرانی است. آذربایجانی‌های ایرانی که یک چهارم تا یک سوم جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند در شمال غرب کشور متمرکز هستند و همواره یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به سیاست‌های ایران در قبال قفقاز جنوبی بوده‌اند. ملی‌گرایی قومی در میان آذربایجانی‌های ایرانی که به‌عنوان پان‌ترکیسم نامگذاری شده است، عمدتاً بر زبان متمایز بنا شده و در واکنش به سرکوب زبان آن‌ها تحت حکومت رضاشاه در دهه

۱۹۲۰ شکل گرفت. این موضوع پس از سرنگونی رضاشاه توسط اشغال متفقین ایران در سال ۱۹۴۱ و سلطه شوروی در شمال ایران بلوغ یافت. با این حال، پس از نابودی دولت ملی آذربایجان تحت رهبری جعفر پیشه‌وری، جریان‌های ملی‌گرایانه قومی در میان آذربایجانی‌های ایرانی به شدت کنار گذاشته شدند. علاوه بر این، سیاستمداران آذربایجانی ایرانی در کارزارهای انتخاباتی و فعالیت‌های سیاسی خود به مطالبات ملی‌گرایانه قومی پرداختند (Abushev, 2005: 43). پدیده دوم که نگرش ایرانیان نسبت به تهدید پان‌ترکیسم را تشدید کرد، قدرت رو به رشد محور جمهوری آذربایجان-ترکیه در قفقاز جنوبی است. برای دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی ترکیه به تقویت پان‌ترکیسم در برابر هویت شیعه در میان آذری‌ها تلاش کرده است (Vatanka, 2022: 11).

بنابراین، حمایت فعال ترکیه از جمهوری آذربایجان در طول جنگ دوم قره‌باغ توسط تهران به عنوان افزودن هیزم به آتش تلقی شد. در نتیجه، افزایش نفوذ ترکیه و آذربایجان پس از جنگ به ویژه کریدور زنگزور، نگرانی دولت ایران درباره پان‌ترکیسم را تشدید کرد. در این زمینه، چندین رویداد به افزایش احساس ایران نسبت به پان‌ترکیسم پس از جنگ دوم قره‌باغ کمک کرده است. نخست، بسیج آذری‌های ایرانی در بسیاری از شهرها در طول جنگ قره‌باغ برای برگزاری تجمعات همبستگی با آذری‌های جمهوری آذربایجان و اعتراض به ادعای (کذب) انتقال سلاح به ارمنستان از طریق خاک ایران (Gasimov, 2022: 212). موضوع دیگر قرائت برخی از اشعار توسط رئیس‌جمهور ترکیه، اردوغان در رژه پیروزی نظامی در باکو در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ بود: آن‌ها ارس را جدا کردند و با سنگ و چوب پر کردند. من از تو جدا نخواهم شد. آن‌ها ما را به زور جدا کرده‌اند. به عقیده اکثر ایرانیان، شعر قرائت شده توسط اردوغان در باکو نماد جدایی‌طلبی پان‌ترکیسم بود. (Rashidi, 2023: 16)

دولت آذربایجان در ادامه اقدامات خود با تغییر رسمی روز استقلال از ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ به ۲۸ مه ۱۹۱۸، به آتش اختلافات دو کشور مجدد دمید. این اقدام توسط ملی‌گرایان ایرانی به عنوان پذیرش میراث محمدامین رسول‌زاده، پیشگام ملی‌گرایی آذربایجانی که با پان‌ترکیسم گره خورده، تلقی شده است. در نهایت، دو سخنرانی متوالی رئیس‌جمهور علی‌اف در نوامبر ۲۰۲۲ نگرانی‌های تهران درباره پان‌ترکیسم را بیشتر برانگیخت. در نشست نهم سازمان کشورهای

ترک زبان که در نوامبر ۲۰۲۲ در سمرقند برگزار شد، علی‌اف گفت: جهان ترک تنها شامل کشورهای ترک زبان مستقل نیست، بلکه مرزهای جغرافیایی آن وسیع تر است... نسل جوان جهان ترک باید فرصت تحصیل به زبان مادری خود را در کشورهای محل اقامتشان داشته باشد. متأسفانه، اکثریت ۴۰ میلیون آذری که خارج از آذربایجان زندگی می‌کنند، از این فرصت‌ها محروم هستند (Seifoddin, 2022). سپس، در یک کنفرانس بین‌المللی در باکو در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۲، علی‌اف نارضایتی خود را از وضعیت کنونی روابط آذربایجان و ایران ابراز کرد و از مانورهای نظامی مکرر ایران در نزدیکی مرز مشترک شکایت کرد. او همچنین به انتقاد از ترویج اسلام شیعه در میان مردم آذری اشاره کرد. پس از بیان شکایات خود علیه تهران، علی‌اف گفت: ما تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا سبک زندگی سکولار آذربایجان و آذری‌ها در سراسر جهان از جمله آذری‌های ایران را حفظ کنیم. آن‌ها بخشی از مردم ما هستند (Özgenç, 2022). برای اولین بار از زمان حکومت کوتاه‌مدت ایلچی‌بیگ، یک مقام ارشد آذربایجانی ادعا کرد که از آذری‌های ایرانی براساس هویت مشترک محافظت خواهد کرد. خطاب علی‌اف به آذری‌های ایرانی به‌عنوان هم‌وطنان و درخواست او برای حفظ حقوق زبانی آن‌ها، توسط ایران به‌عنوان مداخله در امور داخلی و اراده مقامات آذربایجان برای تشدید تنش با ایران تلقی شده است.

بنابراین حمایت آنکارا از باکو در جنگ دوم قره‌باغ و پیروزی در آن جنگ، اعتماد به نفس دو کشور را بیش‌ازپیش بالا برده است. اردوغان خود را رهبر ترک‌های جهان می‌داند و به دنبال متحد کردن آنچه خود جهان ترک می‌نامد، هست. در همین راستا، به تقویت شورای همکاری کشورهای ترک زبان پرداخته و نام آن را به سازمان کشورهای ترک تغییر داده است (Yaganeh, 2023: 19). Salehi, 2023: 19). ملی‌گرایی و توسعه‌طلبی ترکیه و همراه آن جمهوری آذربایجان از طریق اتحاد ترک‌زبانان برای دستیابی به برتری جهانی یعنی تلاش دو کشور برای آن که نقش ایران را در منطقه غرب آسیا و قفقاز جنوبی کاهش دهند. امری که تحولات قره‌باغ موجب تقویت و تشدید آن شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

باتوجه به داده‌های به‌دست‌آمده و مطابق با فرضیه تحقیق، همان‌گونه که اشاره شد، روابط جمهوری آذربایجان و ایران از ریشه‌های مشترک عمیق زبانی، مذهبی و تاریخی برخوردار است. باوجود اشتراکات گسترده میان این دو کشور، در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی، گاه در برخی زمینه‌ها به‌عنوان چالش‌های امنیتی متقابل عمل کرده‌اند. براساس چارچوب نظری پژوهش و با بررسی روندهای تحولات قفقاز جنوبی، می‌توان سه عامل ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر را به‌عنوان محورهای اصلی تحلیل روابط دوجانبه در نظر گرفت. این تقسیم‌بندی به‌ویژه در تحلیل دو جنگ قره‌باغ در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۲۰ مصداق می‌یابد. در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پژوهش، می‌توان تأکید کرد که پیامدهای این دو جنگ، به‌ویژه جنگ دوم قره‌باغ - که منجر به تحولات چشمگیر در جغرافیای سیاسی منطقه و حضور نیروهای فرامنطقه‌ای شد - مطابق با فرضیه تحقیق، موجب تشدید تنش‌ها در روابط ایران و جمهوری آذربایجان گردید. ازجمله عوامل چالش‌برانگیز امنیتی که تحولات امنیتی و ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی پس از جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ را شکل داده‌اند، می‌توان به تهدیدات اقتصادی (نظیر طرح کریدور زنگزور یا دالان تورانی)، تهدیدات امنیتی-سیاسی (از جمله نفوذ فزاینده رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرزهای ایران و باکو) و تهدیدات اجتماعی-فرهنگی (مانند اوج‌گیری گفتمان‌های قوم‌محور و پان‌ترکیستی) اشاره کرد. اگرچه همکاری‌های اقتصادی در برخی حوزه‌ها میان دو کشور تداوم یافته، اما اختلاف‌های امنیتی در چهار سال اخیر به‌گونه‌ای بوده‌است که نقاط مثبت روابط را تحت‌الشعاع قرار داده‌است. به‌عبارت دیگر، باوجود ظرفیت‌های همکاری‌جویانه در عرصه اقتصاد، تفاوت‌های راهبردی در حوزه امنیت منطقه‌ای سبب شده تا همکاری‌های دوجانبه با چالش‌های جدی مواجه شود. همچنین مطالعه راهبردهای ایالات متحده در قبال دالان زنگزور نشان می‌دهد که این کشور با حمایت از پروژه‌های ترانزیتی به‌ویژه دالان مذکور، درصدد کاهش نقش ژئوپلیتیکی ایران در شبکه‌های ارتباطی شرق-غرب و شمال-جنوب هستند. در این راستا، توافق ارمنستان و جمهوری آذربایجان در واشنگتن با میانجی‌گری دونالد ترامپ در ۸ اوت ۲۰۲۵ - که در برخی منابع به‌عنوان «کریدور مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی بین‌المللی» شناخته می‌شود - واجد پیامدهای ژرف برای امنیت

ملی ایران است. این ابتکار نه تنها الگوهای سنتی ترانزیت کالا و انرژی در قفقاز جنوبی را دگرگون می‌کند، بلکه با تضعیف موقعیت ترانزیتی ایران، تهدیداتی چندبعدی در حوزه‌های اقتصادی، ژئوپلیتیکی و امنیتی-سیاسی ایجاد می‌نماید. افزون بر این، چنین تحولی می‌تواند زمینه تقویت نفوذ ترکیه و جمهوری آذربایجان را فراهم آورد و فضای مداخله و حضور بازیگران رقیب ایران، از جمله رژیم صهیونیستی، را گسترش دهد. در ادامه مطابق با روش موجود در تحقیق یعنی تحلیل محتوا بخش‌هایی پژوهش را مورد بررسی و جمع‌بندی پایانی قرار می‌دهیم.

جدول (۱) تحلیل محتوای متن پژوهش

موضوع اصلی: بررسی روابط ایران و جمهوری آذربایجان با تمرکز بر عوامل امنیتی چالش برانگیز در چارچوب ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر. فرضیه اصلی: اشتراکات تاریخی، زبانی و مذهبی بین دو کشور به‌رغم وجود همکاری‌های اقتصادی، تحت تأثیر عوامل امنیتی و ژئوپلیتیکی (به‌ویژه پس از جنگ‌های قره‌باغ) به تنش انجامیده است. تأیید فرضیه: یافته‌ها نشان می‌دهند که جنگ دوم قره باغ (۲۰۲۰) با محوریت تغییرات مرزی، حضور رژیم صهیونیستی، دالان زنگزور و گفتمان پان‌ترکیستی، فرضیه را تأیید می‌کند.	موضوع اصلی و فرضیه تحقیق
تحلیل روابط دو کشور بر اساس سه مفهوم: الف) ژئوپلیتیک: جنگ‌های قره‌باغ (دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۲۰) به‌عنوان نقاط عطف تنش‌زا. تغییر جغرافیای سیاسی منطقه پس از جنگ ۲۰۲۰: حضور نیروهای فرامنطقه‌ای (اسرائیل و ترکیه). طرح دالان زنگزور (اتصال ترکیه به آذربایجان از طریق ارمنستان) و تهدید ادراک شده برای ایران. ب) ژئواکونومی: همکاری‌های اقتصادی محدود (مانند پروژه‌های حمل	چارچوب نظری و مفاهیم کلیدی

جدول ۱) تحلیل محتوای متن پژوهش

و نقل یا انرژی) در مقابل رقابت‌های منطقه‌ای. (ج) ژئوکالچر: اشتراکات فرهنگی-مذهبی (شیعه‌گرایی) در مقابل تفاوت‌های هویتی (پانترکیسم). تقویت گفتمان قوم‌گرایی در آذربایجان ایران به‌عنوان عامل تنش.	
الف) جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) به‌عنوان متغیر تعیین‌کننده: تغییر موازنه قدرت به نفع آذربایجان با حمایت ترکیه و اسرائیل. نگرانی ایران از: نزدیکی پایگاه‌های اسرائیل به مرزهایش. تهدید تمامیت ارضی (گفتمان پان‌ترکیستی و دالان زنگزور). ب) تناقض در روابط: همزیستی همکاری اقتصادی (مانند کریدور شمال- جنوب) و رقابت امنیتی. کاهش اعتماد متقابل پس از ۲۰۲۰ با محوریت مسائل امنیتی.	یافته‌های کلیدی و استدلال‌ها
روش تحلیل: کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی. ابزار تحلیل: بررسی اسناد تاریخی (جنگ‌های قره‌باغ). تحلیل گفتمان‌های سیاسی دو کشور (پانترکیسم/امنیت مرزی ایران) روندیابی تحولات ژئوپلیتیکی پس از ۲۰۲۰.	روش‌شناسی پژوهش
جمع‌بندی: متن حاضر با تمرکز بر عوامل ژئوپلیتیک و امنیتی، به‌درستی نشان می‌دهد که اشتراکات فرهنگی- تاریخی به‌تنهایی برای تضمین روابط پایدار کافی نیستند و منافع ملی و رقابت‌های منطقه‌ای (به‌ویژه پس از جنگ ۲۰۲۰) نقش تعیین‌کننده‌ای در تنش‌های اخیر داشته‌اند. با این حال، برای تکمیل پژوهش، نیاز به تحلیل دقیق‌تر ابعاد اقتصادی و نقش بازیگران ثالث (ترکیه، روسیه و اسرائیل) احساس می‌شود.	

جدول ۱) تحلیل محتوای متن پژوهش

تحلیل نقش رژیم صهیونیستی، ترکیه و روسیه در تحولات قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر روابط تهران-باکو بعد اعلام کریدور ترامپ و توافقنامه صلح آذربایجان و ارمنستان مطالعه راهبردهای ایالات متحده (کریدور ترامپ) در قبال دالان زنگزور و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران. بررسی جایگاه ایران بعد کریدور ترامپ در معادلات انرژی قفقاز و رقابت با محور ترکیه-اسرائیل-آذربایجان. بررسی تأثیر رسانه‌ها و نهادهای آموزشی در تقویت یا تضعیف روابط ایران و آذربایجان. سناریوپردازی درباره احتمال تشدید یا کاهش تنش‌ها با توجه به حضور نظامی-امنیتی آمریکا در منطقه بعد توافق نامه صلح ارمنستان و آذربایجان در ۷ اوت ۲۰۲۵ مقایسه روابط ایران-آذربایجان با الگوی روابط ترکیه-آذربایجان یا ایران-تاجیکستان برای درک بهتر نقش عوامل زبانی-مذهبی-تاریخی.	پیشنهاد برای سایر پژوهشگران
--	------------------------------------

قدردانی

✓ از هسته علمی پژوهشی مطالعات سیاسی اقتصادی اوراسیا در دانشگاه گیلان کمال قدردانی را بیان می‌نمایم.

فهرست منابع

- Abushev, K. (2005). "The Nagorno Karabakh Conflict as a Part of the 'New' Eurasian Geopolitics" AÜ SBFD, 60 (3).
- Aghazada, M.M. (2023). "Azerbaijani-Iranian Relations After the Second Karabakh War: Features and Trends", Vestnik RUDN. International Relations, Available at: ISSN 2313-0660 (print), ISSN 2313-0679 (online), DOI: 10.22363/2313-0660-2023-23-4-719-733.
- Ahmadi, H. (2017). "The Clash of Nationalisms: Iranian Response to Baku's Irredentism", in The Great Game in West Asia: Iran, Turkey, and South Caucasus, ed. Mehran Kamrava (Oxford: Oxford University Press, 2017), 105 -140.
- Akhbari, M. (2020). "The Geopolitical Consequences of the Karabakh Crisis in the Relations of the Islamic Republic of Iran in the Caucasus." Political-Spatial Planning Quarterly, 3(1), pp. 20-31. (in persian)
- Al-Monitor(2023). "Iran Lashes Out as Azerbaijan Opens Embassy in Israel", Available at: <https://tinyurl.com/yc42a7ux>.
- Azerbaijan Point to Broader Shifts in the South Caucasus", The Washington Institute for Near East Policy, Available at: <https://tinyurl.com/bdec2v6n>.
- Borshchevskaya, A. & Andrew J.T. (2023). "Iran's Tensions with
- Cornell, S. E. (2005). "Small Nations and Great Powers: A Study of Ethnopolitical Conflict in the Caucasus", Routledge.
- Crisis Group. (2020). "Azerbaijan's Offensive in Nagorno-Karabakh: The Risks of a New War". Retrieved from <https://www.crisisgroup.org>.
- Esfandiari, G. (2021). "What's Behind Fresh Tensions On The Iran-Azerbaijan Border?", RFE/RL, Available at: <https://tinyurl.com/mvnpnzya5>.
- Ettelaat Net. (2023). Will the Aras Corridor on Iran's Northern Borders Replace Zangezur?. Available at: <https://ettelaat.net/1402/08/06/75195/>. (in persian)
- Farrokh, K. (2016). "Pan-Turanism Takes Aim at Azerbaijan; A Geopolitical Agenda", CAIS, Available at: <https://tinyurl.com/2ajx63hk>.
- Gasimov, Z. (2021). "Active but Inefficient? Iran's Strategy towards the Conflict in Nagorno Karabakh", In the Karabakh Gambit: Responsibility for Future, ed. Turan Gafarli and Michael Arnold, Istanbul: TRT World Research Center.
- Gevorgyan, A. (2023). "RED LINES AND GREEN LIGHTS: IRAN'S BALANCING POLICY IN THE SOUTH CAUCASUS", Analytical Bulletin (CCCS), 16, 7-32 DOI: 10.56673/18294502-23.16.
- Göksel, N. (2021) "The Second Karabakh War: A Turning Point for the South Caucasus", Turkish Policy Quarterly, Vol. 20, No. 2, Pp. 33-42.
- Has, K. & Kaleji, V. & Markedonov, S. (2020). "The Breakdown of the Status Quo and the International Dimension of the Nagorno-Karabakh Crisis", The Valdai Discussion Club, Available at: <https://tinyurl.com/5y4tvu5b>.
- Hunter, S. (2017). "Iran's Relations with Azerbaijan and Armenia: Balancing Act in the South Caucasus", Middle East Policy, Vol. 24, No.3, Pp 108-120.
- Iran-Armenia Joint Chamber of Commerce. (2022). The Leader of the Islamic Republic in a Meeting with Erdogan: Iran Opposes the Policy of Blocking the Border with Armenia. Available at: <https://iranarmeniacc.com/>. (in persian)
- Isayev, H. & Ani, M. (2021). "Azerbaijan Starts Charging Iranian Trucks Supplying Armenia", Eurasianet, Available at: <https://tinyurl.com/eav5d8jz>.
- Jaraian Think Tank. (2021). The New Caucasus After the 2020 War. Available at: <https://jaraian.com/1400/new-caucasus-map/>. (in persian)
- Kaleji, V. (2020). "The 2020 Karabakh War's Impact on the Northwestern Border of Iran", Eurasia Daily Monitor, Available at: <https://tinyurl.com/4zyc2f2t>.

- Kaleji, V. (2022). "Strategic Rail Connectivity: Time to Reconnect Iran and the South Caucasus", *Baku Dialogues*, 6 (1).
- Kaleji, V. (2023). "The Israel Factor as a 'Third Party' in Growing Tensions Between Iran and Azerbaijan" *Eurasia Daily Monitor*, Available at: <https://tinyurl.com/24kc2nz8>.
- Khoshnood, A. & Khoshnood, A. (2021), "Iran's Quandary on Nagorno-Karabakh", *Middle East Quarterly*, 28(2), Available at: <https://www.meforum.org/62069/iran-quandary-on-nagorno-karabakh>.
- Mamedov, E. (2020). "Iran's Delicate Balancing Act in the South Caucasus", *Eurasianet*, Available at: <https://tinyurl.com/mtvc7mk6>.
- Mazhari, M. (2020). "Her Sözü bir yeri var (Every Remark should be Pertinent)", *Tehran Times*, Available at: <https://tinyurl.com/b8p9ehcw>.
- Mohammadi-Goodarzi, M. R., Moradi, A., Faridi, S., & Talebpour, F. (2023). "Strategies of the Islamic Republic of Iran in the South Caucasus Region." *Defense Policy Journal*, 32(123), pp. 109–148. (in persian)
- Özgenç, T. (2022). "Azerbaijan to Protect all Azerbaijanis, Including Those in Iran: President", *AA*, Available at: <https://tinyurl.com/bddsujnm>.
- Poghosyan, B. (2021). "Armenia – Iran Relations and their Perspectives after the 2020 Karabakh War", *New Geopolitics*, Available at: <https://tinyurl.com/3st9x9au>.
- Pourahmadi, H., & Feizollahi, M. (2023). "Playing the Zero-Sum Game in the South Caucasus (Emphasizing the 2020 Karabakh War)." *Central Asia and The Caucasus Journal for Regional Studies*, 29(123), pp. 67–92. (in persian)
- Rashidi, A. (2023). "The Middle Corridor and Iran's Interests in the South Caucasus." *Central Asia and The Caucasus Journal for Regional Studies*, 29(121), pp. 27–54. (in persian)
- Roubanis, I. (2024). "Iran's Security Posture in the South Caucasus After the War in Ukraine", *Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, Joint Center*, Feature Article May 30.
- Seifoddini, S. (2022). "Tahlili bar Taghyire 'Roze Esteqlal' dar Hamsayeye Shomali (An analysis On the Change of 'Independence Day' in the Northern Neighbor", *Shargh Daily*, Available at: <https://tinyurl.com/mrdjzfhf>.
- Souleimanov, E. (2011). "Dealing With Azerbaijan: The Policies Of Turkey and Iran Toward The Karabakh War (1991-1994)", *MERIA Journal*, 15(3).
- Syed Zafar, M. (2020). "Iran Backs Azerbaijan's Right to Liberate Karabakh", *AA*, Available at: <https://tinyurl.com/4th6znnk>.
- Tehran Times(2020). "Vague peace in Nagorno-Karabakh", Available at: <https://tinyurl.com/4haenbn6>.
- Valiyev, A. (2013). "Azerbaijan-Iran Relations: Challenges and Prospects", *Caucasus Analytical Digest*, 55, Pp. 76-80.
- Vatanka, A. (2022). "Iran, Türkiye, and the future of the South Caucasus" *Middle East Institute*, Available at: <https://tinyurl.com/4v3cydrk>.
- Yaganeh-Salehi, M. (2023). "Pan-Turkism and the Baku-Ankara Strategic Alliance." *Central Asia and The Caucasus Journal for Regional Studies*, 29(121), pp. 55–78. (in persian)
- Yaganeh-Salehi, M., & Raeesi-Nejad, A. (2023). "The Ankara-Baku Alliance in the Second Karabakh War and its Impact on Iran's National Security." *Foreign Policy Quarterly*, 37(2), pp. 81–108. (in persian)
- Yeo, A. (2024). "Azerbaijan and Iran in the Shadows of Karabakh and Ukraine", *Caucasus Analytical Digest*, 136, 7-11, Available at: <https://doi.org/10.3929/ethz-b-000657553>.
- Yesilot, O. (2020). "Türk askeri 102 yıl sonra yeniden Azerbaycan'da (Turkish Soldiers are back in Azerbaijan after 102 years)", *AA*, Available at: <https://tinyurl.com/yyv6zpt5>.
- Yunus, M. (2020). "Geopolitics of Energy in the Caspian Region: The Role of Azerbaijan", *Palgrave Macmillan*.

